

رفتار شورای نگهبان اگر یک پیام روشن داشته باشد این است که دروغ می‌گوییم وقتی از مطلوبیت مشارکت حداکثری در انتخابات حرف می‌زنیم، و از قضا تنها نگرانی ما مشارکت حداکثری است و برای بستن همه فرصت‌های معنابخشی به انتخابات و شکل‌گیری رقابت معنادار هیچ خطر قرمزی نداریم. در دهه‌های اخیر بخش‌هایی از نیروهای سیاسی به کلی امکان حضور در رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری را نمی‌یافتند، اما همیشه رقابتی معنادار میان گزینه‌هایی که می‌توانستند در مجموع نمایندگی بیش از ۵۰ درصد جامعه ایران را بگیرند وجود داشت.

حالا به جای افزایش رقابت، شورای نگهبان در حذف‌هایی گسترده‌تر از همیشه همه نامزدهای جبهه اصلاحات ایران، اصولگرایان میانه‌رو، مستقل‌های نزدیک به اصلاح‌طلبان و احمدی‌نژادی‌ها را رد صلاحیت کرد و مجموع نیروهای تایید صلاحیت‌شده نماینده کسر کوچک‌تری از جامعه ایران‌اند. چیزی بیش از مهندسی رقابت و خروجی انتخابات. آش اینقدر شور و تصمیم اینقدر رسواست که حتی نامزدی که رقبای جدی‌اش همه حذف شده‌اند و عضو شورای نگهبان و نیروهای سیاسی حامی حذف‌های استصوابی قبلی هم لب به اعتراض گشوده‌اند.

آیا حامیان و عاملان این حد گسترده از حذف سیاسی به دنبال مشارکت حداکثری‌اند؟ قطعا نه. آیا دغدغه این را دارند که شاید این صحنه‌آرایی خطرناک رفتار طرف مذاکره ایران برای رفع تحریم‌ها را تحت تأثیر قرار دهد و این فرصت طلایی برای تعلیق تنش میان ایران و آمریکا و کشورهای منطقه را بسوزاند؟ بعید می‌دانم.

آیا اعتنایی دارند که نتیجه چنین چپشی می‌تواند مانع فقرزدایی موثر و افتادن ایران روی ریل توسعه فراگیر شود؟ بعید می‌دانم.

آیا متوجهند که فقط چند سال فرصت داریم که راه‌ها و لوله‌های مهم ایران را دور نزنند؟ بعید می‌دانم.

آیا فهمی از خطرات این حد از مشروعیت‌زدایی از انتخابات و این میزان لطمه به این نهاد را دارند؟ بعید می‌دانم.

آیا متوجهند که در برابر انباشت بحران‌ها و تهدیدها به شدت نیازمند افزایش توانایی و ظرفیت و کیفیت حکمرانی هستیم؟ بعید می‌دانم.

آیا ارزشی برای خون شهدا و ده‌ها سال تلاش جمعی ایرانیان برای دفاع از جمهوریت و عدالت و آزادی و مینا شدن صندوق رای و قائلند؟ بعید می‌دانم.

برای تغییر این صحنه کمیک-تراژیک و ایران‌سوز، افزایش تلاش جمعی برای اصلاحاتی که رقابت انتخاباتی را عادلانه‌تر و مشارکتی‌تر می‌کند ضروری است:

تلاش برای حزبی شدن انتخابات؛

تلاش برای امکان شکل‌گیری احزاب وسیع‌پایه و بزرگ و متشکل‌تر شدن نمایندگی نهادی گروه‌های اجتماعی؛

تلاش برای تغییر شرایط نامزدی ریاست جمهوری به ۱- معرفی شدن توسط یک حزب بزرگ یا ۲- تعداد زیادی از شهروندان (مثلا حداقل ۲۰۰ هزار نفر)، به جای رویه دلبخواهی مضحک شورای نگهبان که نتیجه‌اش چنین مهندسی اندک‌سالارانه‌ای می‌شود؛

تلاش برای لغو نظارت استصوابی؛

و تلاش برای افزایش دوره تبلیغات انتخابات به چندین ماه (برای ممکن شدن گفتگوی عمومی درباره برنامه‌های نامزدها)، به جای فرصت بسیار محدود سه‌هفته‌ای کنونی.

تحقق اصلاحات فوق‌الذکر نیز مستلزم افزایش توانایی و قدرت نیروهای اصلاح‌جو و ساختن ائتلاف‌های گسترده‌تر است و نوسازی‌ها و بازسازی‌های تشکیلاتی و گفتمانی بیشتر. با رد صلاحیت‌هایی که اعلام شد اصلاحات - بسط دموکراسی، عدالت، آزادی و رفاه از طرق قانونی و خشونت‌پرهیز - هم دشوارتر شد و هم ضروری‌تر. باید تجدید قوا کرد برای اصلاحات موثرتر در نهاد‌های اصلاح‌طلبان و نهاد‌های حکمرانی.